

قصه یک دیدار؛ گفتگویی در باب تاریخ پژوهی

۱۱۶-۱۲۰

علیرضا واسعی
دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

The Story of a Conversation about Historiology

By :Alireza Vāseic

Abstract: What history is and on what basis it is validated are two of the fundamental questions in the philosophy of history that have received many answers. Today, scholars of the field have largely agreed that firstly, the history of a knowledge is the collection of regular knowledge about a phenomenon) discipline ;(and secondly, it is based on a well-defined or systematically defined model or a more defensible approach. Professor Āmeli is one of the scholars of this field who has had a great contribution in introducing the early history of Islam with a traditional approach at universities and Seminary school although his findings and research method can be reviewed critically. In order to make his research concerns easier to understand, this article is going to present the story of a meeting with him and a conversation about his history studying

Key words :History of Islam ,Sira, definite beliefs ,methodology ,religious values.



قصهٔ أحد اللقاءات وحوار حول البحث التاريخي

المخالصة: بعد التساؤل عن ماهية التاريخ وعن المياني التي تتوقف قيمته عليها، واحداً من الأسئلة الأساسية في فلسفة علم التاريخ. وجواباً على هذا التساؤل قدّمت العديد من الأجوبة، حتى وصل الحال الآن إلى اتفاق أكثر الباحثين في المجال التاريخي على أمور: أولها أنّ التاريخ هو أحد العلوم، بمعنى أنّه عبارة عن مجموعة معلومات منتظمة حول إحدى الظواهر. وثانيها أنّه يستند إلى منهج واضح تحكّمه قواعد معينة، أو بعبارة أدقّ أنّه يتبع منهجاً يمكن الدفاع عنه. والأستاذ العاملي هو أحد محقّقي هذا الفرع من العلم في الجامعات العلميّة الحوزويّة، وله السهم الأوفى في التعريف بتاريخ صدر الإسلام من زاوية السيرة، رغم ما يمكن أن يرد على استنتاجاته ومنهجه في التحقيق من ملاحظات نقدية.

وهذا المقال المختصر يتضمّن تقريراً سريعاً عن أحد اللقاءات مع هذا العالم وما دار خلاله من حوار حول دراسة التاريخ، كي يطلع القارئ على ما كان يدور في ذهن هذا العالم حول الشؤون التحقيقية والبحثية. المفردات الأساسية: تاريخ الإسلام، السيرة، العقائدية، القطعية، المنهج، القيم المذهبية.

چکیده: اینکه تاریخ چیست و بر چه مبنایی اعتبار می‌یابد، از پرسش‌های بنیادین در فلسفه علم تاریخ است که پاسخ‌های بسیاری به خود دیده است و امروزه تا حد زیادی محققان حوزه تاریخ به توافق رسیده‌اند که اولاً تاریخ یک دانش، یعنی مجموعه آگاهی‌های منتظم در خصوص یک پدیده (دیسپلین) است و ثانیاً مبتنی بر الگوی تعریف شده و قاعده‌مند یا به تعبیر درست‌تر دارای روش قابل دفاع است. استاد عاملی یکی از محققان این حوزه دانشی است که سهم بسزایی در معرفی تاریخ صدر اسلام با رویکرد سیره‌ای در مجامع علمی حوزوی داشته است، هرچند بر یافته‌ها و روش تحقیق او با رویکرد انتقادی می‌توان نگرینست. در این مختصر، به اجمال قصه یک دیدار با ایشان و گفتگویی که در باب تاریخ پژوهی ایشان درگرفته بود، بیان می‌شود تا دغدغه‌های پژوهشگری وی با زبان ساده‌تری فهم گردد.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اسلام، سیره، عقاید قطعی، روش‌شناسی، ارزش‌های مذهبی.

د

الف) مقدمه

نام استاد سید جعفر مرتضی حسینی عاملی را در سال‌های آغازین دهه شصت، در کنگره جهانی امام رضا (ع) که از سوی آستان قدس رضوی در مشهد برگزار می‌شد شنیدم. در آن نشست‌های علمی که او با کتاب ارزشمند الحیاة السیاسیة للإمام الرضا (ع) ظاهر شده بود، دغدغه، رویکرد و نیز پردازشی متفاوت داشت که برای شرکت‌کنندگان آن کنگره که برخی از آنان از شایستگی علمی بهره‌ای برخوردار داشتند، جذاب و تحسین‌برانگیز نموده بود. برای این‌جانب نیز که در عنفوان جوانی در جستجوی شنیدن سخنان متفاوت بودم، چهره‌ای پرشکوه جلوه کرده بود؛ چراکه از معدود افرادی به حساب می‌آمد که با اثر پژوهشی و دستی پر مشارکت کرده بود. از همان زمان نام ایشان در خاطر من نقش بست و گاه و بی‌گاه به نوشته‌های او مراجعه کردم تا اینکه اثر بزرگ و پرمطلب سیره‌ای او با عنوان الصحيح من سیرة النبی الاعظم^۱ لباس وجود یافت. انتشار این کتاب او را بیش از پیش به مجامع حوزه‌ای شناساند. فعالیت‌های بسیار زیاد و تلاش‌های شبانه‌روزی اش، همراه با دقت نظر، ژرف‌کاوی و سرعت انتقالش به شکل‌گیری آثار فراوانی منجر شد که هر یک در پرداختن به مباحثی از مباحث پرچالش مذهبی یا دینی سیره اختصاص می‌یافت. همین امر موجب شد تا یکی از شاگردان قدر دان وی در قم، جناب حجت الاسلام المسلمین آقای دکتر رسول جعفریان، همایشی در شناسایی علمی او و روش تاریخی اش برگزار کند و مقاله‌هایی از سوی محققان جوان در معرفی آثار او شکل بگیرد. بدین‌گونه استاد وارد فضای ذهنی افراد بیشتری شد. با همه اینها پرسش‌هایی در خصوص روش تحقیق، میزان اعتبار یافته‌ها و همچنین رویکردی که در تحلیل‌های پیاپی ایشان دیده می‌شد، برای برخی پدیدار می‌شد و بهترین راه آن بود که در دیداری حضوری برخی از دغدغه‌ها به گفتگو گذاشته شود. تابع همین ضرورت، دیداری با ایشان ترتیب داده شد که جدای از گپ و گفت‌های دوستانه و عاطفی، حاوی نکات علمی درخوری بود که به عنوان نمایی از انگاره‌های ذهنی استاد قابل توجه است. در این مختصر بعضی از آنها عرضه می‌شود. البته برای درک بهتر محورهای گفتگو، اندکی پافراز نهاده و به آثار ایشان ارجاع می‌شود.

ب) دیداری در فضای اخلاقی عاطفی

در نیمه‌های دهه هشتاد شمسی اندکی پس از برگزاری همایش بزرگداشت استاد، ملاقاتی خصوصی از سوی پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت (ع) با جناب ایشان ترتیب داده شد. در آن دیدار که با حضور چند تن از پژوهشگران پژوهشکده برگزار شده بود، گفتگویی صمیمانه، اما تأمل‌برانگیز، در گرفت که یادکرد پاره‌ای از آنها، می‌تواند شناخت بهتری از شخصیت اخلاقی و علمی ایشان ایجاد کند. البته پوشیده نیست که هرگز نمی‌توان

۱. این کتاب بعدها در ۳۵ جلد به زبان عربی منتشر شد و دو ترجمه فارسی نیز از آن بیرون آمد.

انسانی را در یک نشست یا برپایه یک گفت‌وگو به ارزیابی و سنجش گرفت و درباره او به داوری نشست، اما می‌توان تا اندازه‌ای منش رفتاری و گروهش فکری او را دریافت، به ویژه وقتی خود به معرفی علمی روشی خود می‌پردازد.

مهم‌ترین نکته‌ای که در آن دیدار به چشم آمد، تواضع اخلاقی و بی‌پیرایگی رفتاری ایشان بود که در اولین رویارویی از خود نشان داد. او بدون هیچ آداب و اصول دست و پاگیری به هم‌نشینی و گفتگو با دوستان پرداخت و در سخن‌گفتن و شنیدن، هم‌گشاده‌رویی داشت، هم ملاحظت. این نوع مواجهه با پژوهشگران جوانی که در حوزه تاریخ و سیره نوپا و تازه‌کار بودند، بسیار ارزشمند و آموزنده بود. آشکار بود استاد بیش از آداب عمومی به ادب دینی و بیش از پایبندی به رسوم اجتماعی به سنت مذهبی می‌اندیشید و این البته برای کسی که بخش زیادی از زندگی خویش را به مطالعه در سیره پیامبر اعظم و پیشوایان مذهبی سپری کرده بود، امری متوقع می‌نمود، اما در مقایسه با بسیاری از دیگر افراد، مایه شگفتی جمع حاضر بود. وی همچون آموزنده‌ای در مقابل پژوهشگران جوان نشست، با آرامش به سخنان آنان گوش داد، محترمانه به گفتگو پرداخت و بی‌آنکه شتابی در پاسخ داشته باشد، با سکوت و تأمل به آنچه بیان می‌شد، گوش می‌داد. این فروتنی در جای خود شایان توجه و تکریم و به مثابه الگویی مایه تأسی دیگران است.

پ) مهم‌ترین دغدغه‌های سیره پژوهی

بی‌گمان یکی از پرسش‌های جدی حاضران، چرایی ورود استاد به حوزه تاریخ و سیره بود و اینکه چرا ایشان در میان همه شاخه‌های علمی رایج و نیز سنت مقبول حوزه‌های علمیه، به این عرصه پای نهاد و انبوهی از آثار را پدید آورد.^۲ وی در پاسخ به بیان انگیزه‌های اصلی و مهم‌ترین عوامل وادارنده خود پرداخت که امروز در مطالعات علمی توجه به آنها دارای اهمیت جدی است:

۱. نقش تاریخ و سیره در شناسایی عمق دیانت و مذهب، عامل توجه ایشان به این حوزه دانشی بود.^۳ وی در توضیح این مطلب تأکید داشت تاریخ هم به عنوان منبع اسلام‌شناسی، هم شاخه‌ای از دانش مؤثر در فهم دیانت باید مدنظر باشد و اگر کسی با جریان‌ها و رخداد‌های تاریخی اسلام‌آشنایی نداشته باشد، نمی‌تواند به درستی در فهم حقیقت اسلام توفیق یابد. وی اسلام را دینی تاریخی و بالنده در بستر زمان می‌شناخت و طبعاً می‌بایستی در بستر تاریخی و فضای زمانی به مطالعه گرفته شود. از این روایشان رویکردهای رایج اسلام‌شناسی محدود به شاخه‌ای از دانش و مبتنی بر الگوی خاص راناکارآمد می‌دانست و بر آن بود که فهم قرآن و سنت با دانستن تاریخ نزول قرآن و سیره نبوی میسر است؛ آن هم به صورت اجتهادی و تحلیلی، نه تقلیدی و توصیفی و این بنیادی‌ترین سخنی بود که وی در اهمیت توجه به تاریخ اسلام و سیره ابراز کرد.

۲. وجود ابهام‌ها و پرسش‌های بسیار درباره دسته‌ای از مسائل تاریخی دغدغه دیگری بود که ایشان از آن یاد کرد. چنان‌که در نوشته‌های خود نیز به آنها توجه داده است. استاد بر آن بود که در زندگی رسول خدا و ائمه مطالبی آمده که با واقعیت‌های تاریخی نمی‌سازد یا ابهام‌هایی وجود دارد که تنها با پژوهش‌های تاریخی برطرف‌شدنی است. از این رو برای کسی که داعیه پیروی از پیشوایان معصوم دارد، شناخت صحیح آنها که تنها در پرتو مطالعات تاریخی برآمدنی است که ضرورت دارد. وی بی‌توجهی به سیره یا مسامحه تحقیقی در آن را خسروانی می‌دانست که به هیچ وجهی جبران نمی‌پذیرد. داستان افک یا غدیر یا نبرد جمل یا صلح امام حسن (ع) یا ولایت‌عهدی امام رضا (ع)^۴ از این سنخ قضایا هستند که تنها با پیمودن مسیر تاریخ فهمیده می‌شوند. او به کوتاهی مواردی را اشاره کرد که نشان

۲. بیش از یک صد و بیست کتاب از استاد منتشر شده که برخی از آنها دارای مجلدات زیاد است و در مجموع بیش از ۲۵۰ جلد را تشکیل می‌دهند. آثار ایشان در حوزه‌های مختلفی، چون کلام، تفسیر، تاریخ سیاسی، تاریخ اجتماعی، سیره و... است.

۳. در باب اهمیت تاریخ، در صفحه ۱۲ و ۱۳ الحیة السیاسیة للامام الحسن (ع) مطالب درخوری آمده است.

۴. استاد در مقدمه کتاب، ص ۷ آورده است: بذکر کتاب در زمانی پاشیده شد که جمعی از سطحی‌نگران در لبنان بر دو امام شیعه؛ یعنی امام حسن (ع) بابت صلح با معاویه و امام رضا (ع) بابت پذیرش ولایت‌عهدی مأمون، از سرنام‌آوری و اشتها رجویی خرده‌گیری کرده و مورد هجوم قرار داده بودند.

می داد به عنوان یک عالم دینی و مذهبی باید به آنها توجه کرده و برای آنها پاسخ روشنی داشته باشد.

۳. وجود تفسیرها و تبیین‌های نادرست و تحریف‌های عمدی و سهوی از وقایع تاریخی صدر اسلام، انگیزه دیگری بود که وی را به این حوزه کشاند. استاد بر آن بود که بسیاری از قضایای تاریخی، به ویژه آنچه به باورهای مذهبی پیوند می‌خورد، دچار تفسیرها و داوری‌های غلط و مغرضانه شده‌اند و این وظیفه یک عالم دینی است که در تنزیه آنها و ارائه تبیین درست وارد عمل شود و تنها مسیر آن دانش تاریخ است. جریان قتل عثمان، مشارکت حسنین در فتوحات یا موارد دیگر از این دسته‌اند.

۴. مهجوریت تاریخ و سیره در حوزه‌های علمیه دیگر انگیزه‌ای بود که استاد در بیان انگیزه‌اش برای ورود به این عرصه یادآور شد. وی دوری حوزه‌های علمیه از مطالعات تاریخی را آفتی بزرگ می‌دانست که باید برای رفع آن کاری صورت می‌گرفت.

ت) روش تحقیق استاد

مهم‌ترین بخش ملاقات که بیشترین وقت جلسه را به خود اختصاص داد، مباحث و پرسش‌هایی بود که در حوزه روش تحقیق^۵ ایشان درگرفت. اینکه استاد در تصویرگری خویش از گذشته حیات انسانی، بر چه روشی تکیه دارد و اساساً روش‌شناسی^۶ خود را چگونه یافته است؟ روشن است که مطالعات تاریخی، همانند دیگر مطالعات، از روش یا روش‌هایی پیروی می‌کنند که از سوی متخصصان این حوزه، با تجربه عقلانی یا عقلایی پذیرفته شده است. اینکه روش تحقیق تاریخ چگونه است و بر چه اساسی استوار است، امروز یکی از مباحث اساسی و بایسته پژوهش است و طبعاً هیچ محقق نمی‌تواند بدون عنایت به آن به تحقیق بپردازد.

روش‌شناسی که تلاشی برای شناخت و شناسایی روش یا روش‌های کارآمد و قابل دفاع در یک حوزه دانشی و طبعاً معرفت درجه دوم است، خود دامنه‌ای بسیار گسترده دارد و البته انتظاری نیست که هر محقق به تفصیل درباره آن به تحقیق بپردازد، اما آگاهی بر روش تحقیق و دانستن وجوه امتیاز و کاستی آن در مقایسه یا تطبیق با دیگر روش‌ها را نمی‌توان انکار کرد. از این رو هر محقق برای دفاع از یافته‌های خویش باید روش بنیاد عمل کند. به همین دلیل، این پرسش از استاد امری بدیهی می‌نمود که ایشان در تحقیقات تاریخی خود چه روشی دارد و با چه منطقی آن را برگزیده است؟

استاد عاملی در پاسخ به این پرسش با فروتنی تمام نکاتی را عرض کردند که شایان توجه است:

۱. او با تأکید و مکرر ابراز داشتند که تاکنون به این مسئله نیندیشیده و اساساً نمی‌داند مراد از روش چیست،^۷ ولی در توضیح فرایند پژوهش‌گری خویش ادامه داد که من در نوشته‌های خودم هرگاه به مسئله‌ای برخورد کردم، کوشیدم تا آن را علاوه بر بررسی سندی، با دیگر داده‌ها و اخبار سنجیده و به تعبیر دیگر از اصل ارجاع به دیگر روایت‌ها یا اصل سازگاری داده‌ها بهره بگیرم و اگر داده‌ای با دیگر داده‌ها ناسازگاری داشته، به بررسی‌های بیشتر پرداخته تا بتوانم به روایت درست‌تر دست پیدا کنم.^۸

۲. افزون بر آن، تکیه بر مسلمات تاریخی امر دیگری است که در نوشته‌ها به آن عنایت دارم. دسته‌ای از امور در تاریخ به شکل مسلم درآمده‌اند و عقل حکم می‌کند آنچه با آنها نمی‌سازد نمی‌تواند درست باشد. برای مثال اینکه پیامبر

5. method.

6. Methodology.

۷. البته روشن است که ابراز ناآشنایی نسبت به روش تحقیق، به معنای نداشتن روش نبوده است، بلکه به معنایی نپرداختن به این مقوله به عنوان یک موضوع مستقل و قابل توجه بوده است.

۸. استاد در آغاز کتاب الصحیح من سیرة النبی الاعظم، ص ۱۱، به پژوهشگران تاریخ توصیه می‌کند که در مطالعه تاریخ و بهره‌گیری از کتاب‌های تاریخی و ترائی، باید با احتیاط و همه‌جانبه‌نگرانه پیش رفت تا در گمراهی و نادانی نیفتاد.

فردی مهربان بود، یکی از آنهاست و هر چه با این ویژگی اخلاقی نسازد، آن را به کناری می‌گذارم.

۳. استاد در ادامه به مهم‌ترین شاخص مطالعاتی خویش اشاره کرد و گفت: «من در بررسی‌های تاریخی، اصول عقیدتی شیعه را اصل می‌دانم و هر چه با آنها در تعارض باشد، از نظر من مردود است و آن را به کناری می‌گذارم یا به تبیین درست و منطبق با عقاید شیعی آن دست می‌زنم. همه داده‌های تاریخی و سیره‌ای با این ملاک سنجیده می‌شوند و اگر سازگاری آنها احراز شود، می‌پذیرم و الا آن را مردود می‌شمارم».

استاد در توضیح این راهکار به پشتوانه کلامی عقاید شیعی استناد کرد و گفت: «ما در کلام به چیزهایی رسیده‌ایم که در درستی آنها تردید نداریم و با ملاک‌انگاری آنها به سراغ دیگر داده‌ها می‌رویم و هر چه با آنها سازگار باشد می‌پذیریم و الا مردود می‌شماریم. این روش را من در همه نوشته‌های خود مدنظر داشته‌ام».

در ادامه دیدار پرسش‌ها یا ابهام‌هایی معطوف به سخنان ایشان مطرح شد، از جمله آنکه اگر قرار باشد تاریخ با شاخصی چون عقاید مسلم سنجیده شود، هر محقق در تاریخ به همان چیزی می‌رسد که خود به آن باور دارد. در این صورت آیا تاریخ دچار انحصار در باور نخواهد شد؟ دیگر آنکه یکی از شرایط مطالعات علمی، فاصله‌گرفتن از گرایش‌ها و تعلقات پیشینی است^۹ و این رویکرد چگونه با آن سازگاری می‌یابد؟ سه دیگر آنکه عقاید کلامی خود از چه طریقی به اثبات رسیده و با چه ملاکی شاخص درستی یا نادرستی تاریخ خواهند شد و چرا عکس آن ملاک نباشد؟ همچنین با چه ملاکی هر چه با مسلمات سازگاری نیافت، از اعتبار ساقط می‌شود، در حالی که زندگی انسانی با فراز و نشیب‌های بسیاری همراه است و نمی‌توان برای آن قواعد کلی تغییرناپذیر شناسایی کرد. در آخر اینکه شاید نگاه به تاریخ را بتوان در فضایی معتدل‌تر نگریست و از نگره‌های صفرو صد یا سفید و سیاه فاصله گرفت.^{۱۰}

استاد برخی از این ابهام‌ها یا اشکالات را تأمل‌برانگیز دانست و اظهار امیدواری کرد که بتواند به رفع آنها اقدام کند.

ث) برآیند دیدار و گفتگو

مطالعات تاریخی از دید استاد یکی از ارکان اسلام‌شناسی بوده است و چون در حوزه کم‌تر به آن توجه می‌شده، ایشان همه توان و تلاش خود را در آن حوزه متمرکز کرده و برای پاسخ‌گویی به شبهات و پرسش‌ها و نیز رفع ابهام‌های معطوف به قضایا و رخدادهای صدر اسلام، آن را بهترین راهکار یافته بود. او برای رسیدن به حقیقت تاریخ و درک مقرون به واقع سیره و سنت پیامبر (ص) و ائمه (ع) چاره‌ای جز استناد به منابع سنی و شیعه نداشته است، اما اصولی را در این مسیر مطرح نظر داشته است: اصل سندیت روایت، اصل شاخص‌انگاری مسلمات تاریخی و سیره‌ای، اصل سازوکاری داده‌های تاریخی و اصل ملاک‌انگاری عقاید مسلم شیعی.

استاد با وجود تجربه زیاد در مطالعات تاریخی و ارائه آثار فراوان، همچنان خود را نیازمند توجه بیشتر به جنبه‌های روشنی تحقیق می‌دانست و بر آن بود که باید در این عرصه گام‌هایی بردارد. خدایش رحمت کند که عمری در تحقیقات تاریخی کوشید و عرصه‌های مختلفی را کاوید، هر چند آنچه پدید آورده، به حکم آنکه محصول تلاش آدمی است، فراتر از نقد نیست، اما نوع نگاه متفاوتی را فرآینش نهاد.

کتابنامه

الصحيح من سيرة النبي الاعظم (ص)؛ قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.

الحياة السياسية للامام الجواد (ع)؛ بیروت، المركز الاسلامی للدراسات، ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

الحياة السياسية للامام الرضا (ع)، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳/۱۳۶۳.

الحياة السياسية للامام الحسن (ع)، بیروت، دار السیره، ۱۴۱۴/۱۹۹۴.

۹. استاد خود در ص ۱۳ الحياة السياسية للامام الحسن (ع) در نقد تاریخ‌های امت اسلامی به گرایش‌های مذهبی و تنگ‌نظری و خوشایندی حاکمان اشاره می‌کند.

۱۰. ایشان در مقدمه کتاب الحياة السياسية للامام الجواد (ع)، ص ۱۲ با چنین رویکردی به بیان دغدغه خود می‌پردازد.